

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾

# **مقام صحابه و زندگی خلفای راشدین در یک نگاه**

به کوشش:

**عبدالرحیم محمودی**

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

آدرس ایمیل:

#### سایت‌های مفید

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.ahlesonnat.com](http://www.ahlesonnat.com)

[www.isl.org.uk](http://www.isl.org.uk)

[www.islamtape.com](http://www.islamtape.com)

[www.blestfamily.com](http://www.blestfamily.com)

[www.islamworldnews.com](http://www.islamworldnews.com)

[www.islamage.com](http://www.islamage.com)

[www.islamwebpedia.com](http://www.islamwebpedia.com)

[www.islampp.com](http://www.islampp.com)

[www.videofarda.com](http://www.videofarda.com)

[www.nourtv.net](http://www.nourtv.net)

[www.sadaislam.com](http://www.sadaislam.com)

[www.islamhouse.com](http://www.islamhouse.com)

[www.bidary.net](http://www.bidary.net)

[www.tabesh.net](http://www.tabesh.net)

[www.farsi.sunnionline.us](http://www.farsi.sunnionline.us)

[www.sunni-news.net](http://www.sunni-news.net)

[www.mohtadeen.com](http://www.mohtadeen.com)

[www.ijtehadat.com](http://www.ijtehadat.com)

[www.islam411.com](http://www.islam411.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

بسم الله الرحمن الرحيم

## فهرست مطالب

مقدمه:	۶
ستایش پیامبر ﷺ	۶
مقام صحابه در قرآن	۶
در وصف اصحاب پیامبر ﷺ آیات زیاد است	۸
(نه صحاب و ثالی هزرت)	۱۰
<b>خلافت حضرت ابوبکر صدیق ﷺ</b>	۱۰
اسم و نسب حضرت ابوبکر ﷺ	۱۱
صفات و خدمات حضرت ابوبکر ﷺ	۱۱
<b>خلافت حضرت عمر فاروق ﷺ</b>	۱۴
اسم و نسب حضرت عمر ﷺ	۱۴
صفات و خدمات حضرت عمر ﷺ	۱۴
نمونه از عدالت و حق طلبی حضرت عمر	۱۶
<b>خلافت حضرت عثمان ﷺ</b>	۱۹
اسم و نسب حضرت عثمان ﷺ	۱۹
صفات و خدمات حضرت عثمان ﷺ	۲۰
<b>خلافت حضرت علی ﷺ</b>	۲۱
اسم و نسب حضرت علی ﷺ	۲۱
صفات و خدمات حضرت علی ﷺ	۲۱

- ۲۲..... نمونه از حق جوی حضرت علی علیه السلام
- ۲۳..... حسن ادب چهار خلفاء با یکدیگر
- ۲۷..... مراجع کتاب

## بسم الله الرحمن الرحيم

دوستان عزیز! جوانان این مرز و بوم روز بروز برای کسب معارف اسلامی اشتیاق بیشتر نشان می‌دهند.

برای راهنمایی نسل جوان و جلوگیری از تهاجم فرهنگی بیگانگان اهل قلم و سخن مسئولیتی بیشتری خواهند داشت.

این حقیر برای رهنمایی قشری از جوانان این کشور که بر روش پیامبر ﷺ و اصحابش ﷺ (اهل سنت) هستند، اقدام به جمع‌آوری و تنظیم این جزوه نمودم تا در معتقدات خود آگاه باشند. امیدوارم مورد استفاده قرار گیرد، و چراغی باشد در قبر تاریکم، و صدقه جاری برای مرحوم پدر و مادرم.

**عبدالرحیم محمودی دَمَیوی پاییز ۱۳۷۵**

## مقدمه:

بنام خداوند جان آفرین      حکیم سخن در زبان آفرین  
خداوند بخشنده دستگیر      کریم خطابخش پوزش پذیر

## ستایش پیامبر ﷺ

چه نعت پسندیده گویم تو را      علیک السلام ای نبی الوری  
درود ملک بر روان تو باد      بر اصحاب و بر پیروان تو باد  
نخستین ابوبکر پیر مرید      عمر پنجه بر پیچ دیو سفید  
خردمند عثمان شب زنده دار      چهارم علی شاه دلدل سوار<sup>(۱)</sup>

قبل از شروع در زندگی خلفاء راشدین لازم است بطور عمومی به مقام صحابه کرام که  
خلفاء راشدین از بزرگان و برجسته گان آنان هستند، نظری کوتاه بیفکنیم.

## مقام صحابه در قرآن

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ  
وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾<sup>(۱)</sup>  
[التوبة: ۱۰۰].

«و پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و آنانی که به نیکی از آن‌ها پیروی کردند،  
خداوند از آنان خشنود و آن‌ها از او خشنود شدند، و خدا برای ایشان باغ‌هایی که نهرها از  
زیر آن‌ها جاری است آماده نموده، و در آن همیشه جاودان و ماندگارند، اینست کامیابی  
بزرگ».

(۱) - مقدمه بوستان شیخ سعدی علیه الرحمه.

خداوند متعال در این آیه رضایت خود را از مهاجرین و انصار و کسانی که از آنها پیروی و تبعیت می کنند بیان و اظهار فرموده، و آنها از خدا راضی هستند و خداوند در بهشت انواع نعمت ها را برای آنان آماده کرده است.

چرا خدا بزرگ این همه نعمت برای آنها آماده کرده؟ چون اصحاب پیامبر ایمان کامل و اعمال صالح داشته اند و به خاطر اعتلای دین خدا و برافراشتن پرچم لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ انواع شکنجه و آزار و هزاران مشکل را تحمل نمودند، و با وجود هر نوع خطر دست از فداکاری و جان بازی برنداشتند، و عاشقانه به استقبال انواع بلاها و دشواری ها شتافتند. و جهاد و کوشش آنها بود که ما الآن از نعمت ایمان برخورداریم. عزیزانم چگونه امکان دارد که نسبت به چنین افرادی که قرآن از آنها تعریف کرده است بی محبت و یا خدانخواستہ بدبین و یا نعوذ بالله بی ادب باشیم، چه دلیلی بالاتر از قرآن است؟.

خودا له بهر خاتری ره سوولی نازاری خوی      نه و نه صحابانه ی خهلق کرد تا خاتری عاتر بی  
خالق ته عریفی کردن مونکیر ته قدیمی کردن      نایا نه م دوو قه ولانه کامه یان موخته بهر بی<sup>(۱)</sup>

**توضیح:** اصحاب به کسانی گفته می شود که به خدمت پیامبر ﷺ رسیده، در حالیکه دارای ایمان و با ایمان فوت کرده باشند.

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَفَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ۲۹].

(۱) - قه صیده شیخ محمدی دادانه.

«محمد فرستاده خداست، و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیرند و با یکدیگر مهربانند، ایشان را می‌بینی که بسیار در حال رکوع و سجودند و جویای فضل و خشنودی از جانب خدا، نشانه ایشان از اثر سجده در چهره‌شان آشکار است، این وصف آنان است در تورات، و وصف‌شان در انجیل مانند زراعتی است که خوشه برآورد پس آن را استوار کند، تا سخت گردد و بر خوشه برآورد پس آن را استوار کند، تا سخت گردد و بر ساقه اش محکم بایستد، چندان که زارعان را به شگفت آورد و مایه خشم کفار از آنان شود، خداوند به کسانی از ایشان که ایمان آورده و عمل‌های شایسته پیشه کنند وعده آمرزش و پاداش بزرگ داده است».

خداوند متعال در این آیه اوصاف خوب و حمیده تمام اصحاب پیامبر ﷺ را بیان فرموده، به شهادت و شجاعت آنان در برابر کفار و زورگویان، و مهربانی و رأفت و رحمت و تواضع ایشان در بین خود و مشغول بودن آنان در اکثر اوقات به عبادت پرداخته.

اصحاب پیامبر ﷺ به حدی عبادت بی‌ریا و خالص انجام می‌دادند که هرکسی آن‌ها را می‌دید نور ایمان را در سیمای آنان مشاهده می‌کرد، این وصف آنان بود در تورات، و در انجیل وصف پیامبر ﷺ چنین آمده است که ایشان در ابتدای امر کم خواهند بود، ولی بعداً مانند زراعت نشأ و نما خواهند کرد و به طور عجیب زیاد خواهند شد.

### در وصف اصحاب پیامبر ﷺ آیات زیاد است<sup>(۱)</sup>

و پیامبر اسلام در مناسبت‌های به طور عمومی و یا خصوصی از یاران خود تعریف کرده است، برای نمونه: پیامبر عظیم الشان اسلام فرموده است:

«هیچ فردی از اصحابم را دشنام ندهید، زیرا اگر کسی (غیر از اصحاب) به اندازه‌ی کوه احد طلا را (در راه خدا) انفاق کند به اندازه یک مد یا نصف آن که صحابی آن را انفاق

(۱) - برای توضیح بیشتر می‌توانید به این آیات مراجعه کنید: بقره: ۱۴۳، آل عمران: ۱۱۰ و ۱۹۵، انفال: ۷۴،

توبه: ۲۰ تا ۲۲ و آیات ۴۰، ۸۸، ۸۹.



کند ثواب ندارد»<sup>(۱)</sup>. این به خاطر جایگاهی است که اصحاب نزد خدا و رسول دارند، و به خاطر زهد و تقوایی که داشته‌اند. «عبدالله پسر حضرت عمر رضی الله عنه می‌گوید: روزی حضرت عمر به سرکشی باغ خرما رفته بود، و قتیکه برگشت نماز عصر را خوانده بودند، حضرت عمر فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». جماعت نماز عصر را از دست دادم، به شهادت شما باغ خرما می‌خورد را به کفاره از دست‌دادن این نماز جماعت به عنوان صدقه به فقراء بخشیدم». این بزرگوار از دست‌رفتن یک جماعت را (نه یک نماز) مصیبت تلقی کرده و مصیبت وارده را از حب دنیا دانسته، لذا برای جبران نماز جماعت و کاهش حب دنیا باغ خرما را به فقرا بخشیده. صحابه پیامبر همگی در اجرای احکام اسلام واجب و سنت هیچگونه کوتاهی نکرده و از خود سستی نشان نداده‌اند، پس معلوم و مشخص است که اینگونه افراد نزد خدا جایگاهی ویژه‌ای دارند.

فضیلت اصحاب پیامبر به آیات و احادیث و اجماع علماء و دانشمندان امت اسلام ثابت است، و حتی دشمنان دین اسلام به عدالت و مردانگی آن‌ها قرار نموده‌اند. در اینجا به خدمت عارف بزرگ شیخ فریدالدین عطار نیشابوری که یکی از بزرگ‌مردان ایران و یکی از اولیاء الله است، می‌رویم تا نظر ایشان را در باره اصحاب جویا شویم، ایشان می‌فرماید:

ور کنی تکذیب اصحاب رسول	قول پیغمبر نکردستی قبول
گفت هر یاریم نجمی روشن است	بهترین قرن‌ها قرن من است
بهترین خلق یاران منند	اقربا و دوستداران منند
کی روا داری که اصحاب رسول	مرد ناحق را کنند از جان قبول
یا نشانندش به جای مصطفی	از صحابه نیست این باطل روا

(۱) - بخاری و مسلم.

اختیار جمله‌شان گرنیست راست اختیار جمع قرآن پس خطاست<sup>(۱)</sup>  
و استاد ماموستا ملا عبدالکریم مدرس<sup>(۲)</sup> به زبان شیرین کردی در باره‌ی آل و اصحاب  
پیامبر چنین فرموده است:

### (ثصحاب و ثالی چه زرهت)

بیارینه خوا ره حمهت له هه‌وری فه‌یضی ره‌بیانی	له سهر روحی ره‌سول الله و جه‌میعی ثال و یارانی
چه نه‌صحابی نه‌وانه‌ی همه‌وری بارانی که رامهت بوون	چه ثالی، ثالی شاهی واکه عیززهت بوو به نه‌رکانی
همه موو نه‌فسی موقه‌دده‌س، مه‌ظه‌ری نووری خوی نه‌قدسه‌س	خه‌لاتی خوا نه‌هات بویان به ئی‌حسان و به ریضوانی
بنازم به‌و صه‌فا خوا دای به قه‌لبی ثال و یارانی	که عه‌ینه‌ن بون به مصیباحی ته‌جه‌للای طوری ئی‌حسانی
وه‌ره بروانه «کُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» و نوری «سَيِّئَاهُمْ»	نه‌بینی چهن هه‌زار نه‌سرار و نورو فه‌یضی ره‌حمانی
توکلیمان و ئیمان و سرور و عاجزی دلیان	عَلَى اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ لِلَّهِ بِوَو عین‌وانی
هه‌موو یه‌ک قه‌لب و یه‌ک قالب له بو ریضوانی حه‌ق طالب	به دایم راغب و راهیب له جیلوه‌ی قه‌هری سوبحانی <sup>(۳)</sup>

### خلافت حضرت ابوبکر صدیق

پیامبر اسلام ﷺ در حال حیات صریحاً کسی را تعیین نفرمود، زیرا ختم نبوت شده بود،  
و از تعیین یکی احتمال داشت که بازهم مقام خصوصیتی برای او پیدا گردد<sup>(۴)</sup> چون  
آنحضرت در سال ۱۱ هجری از دار فانی به بهشت جاوید انتقال فرمود، صحابه کرام در

(۱) - منطق الطیر عطار.

(۲) - تألیفات ماموستا ملا عبدالکریم مدرس از ۸۰ جلد تجاوز کرده است، و به زبان عربی و کردی تفسیر قرآن دارد، و شریعت اسلام که در فقه امام شافعی به زبان کردی نوشته بهترین کتار و در نوع خودش بی‌همتاست.

(۳) - قصیده نورالصبح.

(۴) - خاتم النبیین پروفیسور شوشتری.

«سقیفه بنی ساعده» جمع شدند، بعد از شورا و مشورت زیاد بالاخره اکثریت به حضرت ابوبکر صدیق بیعت نمودند، و به دلائل زیر به آن بزرگوار رأی دادند:

- ۱- چون قریش بود پیامبر فرمود: «الْأَيُّمَةُ مِنْ قُرَيْشٍ».
- ۲- اولین کسی بود از مردان که ایمان آورد.
- ۳- از همه بیشتر به اسلام خدمت کرده بود.
- ۴- آگهی کامل از آموزش اسلامی.
- ۵- خویشی به آنحضرت.
- ۶- وجاهت میان مهاجرین.
- ۷- ملایمت و حسن رفتار با عموم مسلمین.
- ۸- رفیقی پیامبر در هجرت ﴿اَثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ﴾.
- ۹- امامت نماز به دستور پیامبر در وقت مریضی آنحضرت.

#### اسم و نسب حضرت ابوبکر

اسم مبارکش عبدالله، کنیه اش ابوبکر، لقبش صدیق پسر ابوقحافه، اسم مادرش سلما در جد ششم نسبش به آنحضرت می‌رسد.

در سال ۵۷۳ م متولد شد، و در ۲۳ جمادی الثانی در سال ۱۳ هجری در سن ۶۳ سالگی وفات کردند، و مدت دو سال و دو ماه رهبری جامعه اسلامی را به عهده داشت، در پایین پای مبارک پیغمبر در حجره سعادت مدفون است.

#### صفات و خدمات حضرت ابوبکر

«در این شکی نیست که ابوبکر میان صحابه رتبه ارجمندی داشت، و به سبب حسن رفتار که با حسن رأی استقامت فوق العاده‌ای داشت، در نظر صحابه گرامی و طرف توجه و التفات مخصوص شده بود، گذشته بر آن به صفات ستوده آراسته، و به کمال معنوی و اخلاق نیک

پراسته بود، در مدت بسیار کم که دو سال و دو ماه خلافت نمود، ثابت شد که در امور سیاسی و کشورداری مهارت کامل داشت.

حدیثی از آنحضرت روایت کرده اند که فرمود: «هر کس می خواهد نگاه بر زنده ای کند که از دنیا بی نیاز است، و مانند مرده ای راه می رود، پس نظر به سوی ابوبکر افکند»<sup>(۱)</sup>.  
مولوی فرماید:

هر که خواهد کوبیند بر زمین      مرده ای را می رود ظاهر چنین  
مر «ابوبکر تقی» را، گوین      شد ز صدیقی امیر المؤمنین  
«ابوبکر صدیق وقتی به خلافت رسید که جز مدینه و جز عشایر واقع در مثلث «مکه، طائف، مدینه» بقیه از حکم اسلام خارج گشته و مدعیان نبوت، رؤسای متجاسر عشایر با استعداد از دشمنان خارجی توطئه حمله به مدینه و محو اساس دین اسلام را طرح کرده بودند، ابوبکر صدیق با قدرت ایمان و نبوغ کارایی جهاد اسلامی را شروع و تمام ماجراجویان داخلی را قلع و قمع نمود، و ایمان و امنیت کامل را اعاده و عربستان را به دریایی از ایمان و اخلاص و شور اسلامی مبدل نمود، و در چندین حمله بخش های مهمی از متصرفات ایران و روم را به زیر پرچم اسلام درآورد.

و از راه جهاد اسلامی اسلامیت در حال احتضار را جان تازه بخشید، و برای جهانشمولی آن را حرکت داد، با جمع کردن قرآن (به شکل کتاب مکتوب) و تأکید بر سنت رسول الله ﷺ حیات و حرکت اسلام را بیمه نمود، فردوسی تحت تأثیر عظمت و ابهت حضرت ابوبکر در تاریخ اسلام حدیثی را در باره ابوبکر صدیق ترجمه و به این عبارت سروده است:  
که خورشید بعد از نبین مه      نتایید بر کس ز بوبکر به  
«مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَلَا غَرَبَتْ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ النَّبِيِّينَ أَفْضَلَ مِنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ».  
پیامبر اسلام فرموده است: «مال و ثروت هیچکس مانند مال ابوبکر نفع نداشته است»<sup>(۲)</sup>.

(۱) - خاتم النبیین پروفیسور شوشتری.

(۲) - امام ترمذی.

حضرت ابوبکر خدمات زیادی به اسلام کرد و برده‌های زیادی که مسلمان شده و تحت ظلم و ستم آقا‌های‌شان قرار گرفته بودند، مانند بلال خرید و آزاد کرد.

پیامبر فرموده است: «شما ای ابوبکر! اولین کسی هستی از امت من که داخل بهشت می‌شوی»<sup>(۱)</sup>.

(روزی که حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه بیمار شد و در بستر مرگ قرار گرفت، دخترش حضرت عائشه رضی الله عنها از او درخواست کرد که پزشکی را برای معالجه ایشان دعوت کند. ابوبکر رضی الله عنه گفت: دخترم پزشک آمد، عائشه رضی الله عنها گفت: پدر طیب چه گفت؟. جواب داد: طیب به من گفت: «فَعَالَ لِمَا يُرِيدُ». یعنی هرچه که بخواهم انجام می‌دهم. عائشه رضی الله عنها گفت: پدر در چه چیزی گفت کنیم؟ فرمود: در همین لباس خودم که با این در پشت سر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نماز خوانده‌ام. عائشه گفت: پدر این لباس کهنه شده است، اجازه دهید که کفن تازه را برایت بخریم. فرمود: دخترم تازه برای زنده مناسب است، نه مرده<sup>(۲)</sup>. بیا باهم به خدمت پیر دانا عارف بزرگ ایران شیخ فریدالدین عطار نیشابوری برویم، و نظر ایشان را در باره‌ی اولین جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جویا شویم:

خواجه اول که اول یار اوست	ثانی اثنینِ اِذْهَمَا فِي الْغَارِ اوست
صدر دین صدیق اکبر قطب حق	در همه چیز از همه بُرده سَبَق
هرچه حق از بارگاه کبریا	ریخت در صدر شریف مصطفی
آن همه در سینه صدیق ریخت	لاجرم تا بود از و تحقیق ریخت
چون تو کردی ثانی اثنینش قبول	ثانی اثنین او بود بعد از رسول

(۱) - امام ابوداود.

(۲) - ترجمه‌ی انیس المؤمنین.

### خلافت حضرت عمر فاروق رضی الله عنه

چون در سال ۱۳ هجری زمان رحلت حضرت ابوبکر صدیق رسید، حضرت عمر بن خطاب را برای احراز مقام خلافت و رهبری جهان اسلام به خاطر شجاعت و شهامت و عدالت و ایمان که داشت پیشنهاد فرمود، بعد از وفات حضرت ابوبکر مسلمانان به حضرت عمر بیعت نمودند، و به اکثریت آراء رهبری جهان اسلام را به عهده گرفت.

#### اسم و نسب حضرت عمر رضی الله عنه

اسم مبارکش عمر، لقبش فاروق (جداکننده‌ی حق از باطل) و ابو حفص (پدر شیران) نام پدرش خطاب در جد هفتم نسبش به آنحضرت می‌رسد، نام مادرش حنتمه در سال ۵۸۱ میلادی متولد شده، بعد از ده سال و شش ماه خلافت و رهبری جامعه اسلامی در سن ۶۳ سالگی در ۲۶ ذیحجه سال ۲۳ هجری بدست یک نفر مجوسی بنام فیروز ابولؤلؤ غلام مغیره در نماز صبح در محراب رسول الله مورد حمله این خبیث قرار گرفت، و سپس به درجه شهادت نائل شد و اولین شهید در محراب است، و در کنار مرقد مبارک حضرت رسول در مدینه‌ی منوره در حجره‌ی سعادت دفن شد.

#### صفات و خدمات حضرت عمر رضی الله عنه

صفات حضرت عمر را پرفیسور عباس شوشتری چنین بیان کرده است: «این شخص (عمر) که او را بیشتر از مسلمین به نظر بزرگواری می‌بینند، شهنشاهی بود که به جای تخت مرصع جواهر آگین بر روی خاک می‌نشست، و عوض لباس فاخر که از شرق و غرب به بیت المال او پر می‌شد، به جامه‌ی وصله‌دار که پوشاک مفلس‌ترین رعیت او بوده، بدنش را از برهنگی مستور می‌نمود.

جای تاج زرین و پیراز جواهر پربها که از ایران و روم می‌آوردند، عمامه‌ای خشن رعب و جلالش را میافزود، با ادنی رعیت به درجه‌ی مساوی می‌نشست، و یک بنده‌ی حبشی را برادر مسلم خویش می‌دانست، و با او برادرانه سلوک می‌نمود.

چون سفر می کرد، منزلی او سوار شتر می گشت و بنده اش مهار شتر می گرفت، و منزل دیگر او مهار شتر داشت، و بنده اش سوار شتر بود.

شهنشاه بود، ولی رنج رعیت داشت و شب‌ها در کوچه‌های مدینه می گشت که ضعیفی را حمایت کند، و بیوه‌زنی را سرپرستی و یاری نماید.

می‌خواست که رعیتش به جای این که به او سر فرود آرند، به آیین اسلام زندگی بکنند. مربی ایتام و غمخوار بیچارگان و مروج عدل و فاتح روم و ایران در کودکی شبانی می کرد، و در جوانی به سبب حسن بیان و شجاعت سفارت قوم را می نمود.

در زمان جاهلیت سرکش و ضد اسلام بود، چون مسلمان شد، آنحضرت خرسند گشت و فرمود، دلم می‌خواست یکی از دو «عمر» سعادت اسلام را بیابند.

«عمرو» دیگر «عمرو بن هشام» بود که معروف به ابوجهل گشت، هردو آن‌ها از اشخاصی بودند که میان قریش به فصاحت بیان و استعداد ذاتی شهرت داشتند، همان سبب غرور مانع شد که عمرو بن هشام شرف اسلام را بیابد، و سعادت یاری کرد که «عمر بن خطاب» مسلمان شود، در زمان او کشورهای «روم» و «ایران» و «مصر» بدست مسلمانان گشوده شد و اسلام در مشرق به بلوچستان و در مغرب بدامنه دشت بزرگ «یقه» رسید<sup>(۱)</sup>.

ماموستا ملا عبدالله احمدیان مهاباد خیلی کوتاه و مختصر در باره حضرت عمر چنین می‌فرماید:

«حضرت عمر فاروق با حرکت دادن امواج متلاطمی از ایمان و شور اسلامی توانست همه مرزها را پشت سر بگذارد و دین اسلام را با همه خصوصیات آسمانی مخصوصاً بعد اجتماعی، عدالت، مساوات، آزادزیستن، معنوی گرایی به قلب ایران و مصر و شامات برساند، و بر سینه دو امپراطوری شکست خورده‌ی ایران و روم کلیه نظام‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و اداری اسلام پیشرفته را پیاده نماید و با برافراشتن پرچم «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ

(۱) - خاتم النبیین پروفیسور شوشتری.

رَسُولُ اللَّهِ». بر کاخ کسری‌ها و قیصرها بر ادعای پوچ آنان خط بطلان کشید و به قول ملای مهابادی «برق سیف حضرت فاروق تا ابد \* داغ دروغ بر دل کسری و قیصر است».

### نمونه از عدالت و حق طلبی حضرت عمر

(۱) خلیفه دولت اسلامی امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه در شب خیلی سردی در تاریکی هوا آتشی را دید و با همراهش صحابی جلیل عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه به طرف آتش رفتند، دید در کنار آتش مادری با سه بچه کوچکش نشسته‌اند، یکی از بچه‌ها گریه می‌کرد و می‌گفت: مادر به اشک‌های چشم من رحم کن، دیگری می‌گفت: مادر از گرسنگی نزدیک است که بمیرم، سومی گفت: مادر غذایی برای من قبل از مرگم ممکن می‌شود؟ عمر رضی الله عنه در کنار آتش نشست و به مادر بچه‌ها گفت: از چه کسی شکایت داری؟. مادر بچه‌ها گفت: الله الله از عمر. عمر رضی الله عنه گفت: چه کسی عمر را از اوضاع و احوال شما باخبر کرده است؟ زن گفت: او ولی و مسئول ما است و از ما غافل می‌باشد.

عمر رضی الله عنه به سرعت به بیت المال مسلمین رفت و در را گشود. نگهبان گفت: خوش آمدی یا امیرالمؤمنین! به او توجهی نکرد، کیسه‌ای آرد و ظرفی پر از روغن و ظرفی پر از عسل را پایین آورد. نگهبان گفت: یا امیرالمؤمنین می‌خواهی چه کار کنی؟ عمر رضی الله عنه گفت: این‌ها را بر پشت من می‌گذاری؟ نگهبان گفت: بر پشت بگذارم، یا خودم بردارم؟ گفت: بر کولم بگذار. نگهبان خواست به جای عمر رضی الله عنه خود وسایل را بردارد و حمل کند. عمر رضی الله عنه او را عقب زد و گفت: مادرت در سوگت بنشیند بر کولم بگذار، در روز قیامت تو بار گناهان مرا بر دوش خواهی گرفت؟ خلیفه کوله‌بار آرد و روغن و عسل را بر کول گرفت و حرکت کرد، و بعد از آن که به بچه‌ها رسید غذا را برای ایشان آماده کرد و به دست خود به آنان خوراند.

مادر بچه‌های یتیم نگاهی به او کرد و گفت: الحق تو شایسته هستی در مقام خلافت باشی، نه عمر. خلیفه به او گفت: خواهر فردا نزد عمر برو، من هم آنجا خواهم بود مشکلات را به او خواهم گفت. عمر رضی الله عنه برگشت و در پشت سنگی نشست و به بچه‌ها از دور نظر انداخت، عبدالرحمن بن عوف گفت: یا امیرالمؤمنین! هوا سرد است بهتر آن است برویم.



عمر رضی الله عنه گفت: والله از جایم تکان نخواهم خورد تا وقتی که آن بچه‌ها بخندند، آنچنانکه اولین بار آن‌ها را دیدیم که گریه می‌کردند، فردای آن شب مادر بچه‌ها به دارالخلافه رفت (دارالخلافه در زمان خلیفه اول و دوم مانند زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله همان مسجد مدینه بود). و دید مردی در بین حضرت علی و ابن مسعود رضی الله عنهما نشسته بود و آنان به او امیرالمؤمنین می‌گویند، متوجه شد که او همان مرد است که دیشب نزد آنان بود، وحشتی سراپای او را گرفت، امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه به او گفت: ناراحت نباش خواهر، ستمی که بر تو وارد شده است به چند به من می‌فروشی؟ گفت: یا امیرالمؤمنین! از تو پوزش می‌طلبم. عمر گفت: سوگند به خداوند از اینجا بیرون نخواهی رفت تا داد خواهی را به من نفروشی؟. سرانجام دادخواهی را در قبال مبلغ ششصد درهم از مال خالص خود از مادر یتیمان خریداری کرد و به حضرت علی رضی الله عنه گفت: بنویس: من علی ابن ابی طالب و ابن مسعود شهادت می‌دهیم که «فلان» دادخواهی خود را در قبال مبلغ ششصد درهم به عمر بن خطاب فروخت. سپس عمر گفت: وقتی که من مردم این خریدنامه را در لای کفن من بگذارید تا به پیشگاه خداوند متعال برسد<sup>(۱)</sup>.

(۱) - \* توضیح مترجم:

«بدون شک حضرت عمر رضی الله عنه به معنی و مفهوم آیهی ﴿وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ بیشتر و بهتر آگاه و دانا بوده است، و می‌دانست که هیچ نیازی به گذاشتن این خریدنامه در لای کفن نیست که مأمورین آن را پیدا کنند و بردارند و اجازه ملاقات بگیرند و به پیشگاه باری تعالی ﴿عَلِّمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾ برسانند. و همچنین می‌دانسته است که یک خانواده بی‌لانه و کاشانه که لقمه نانی را که یکی از بچه‌های گرسنه آنان در لای دهنش بگذارد و به آن سد جوع و رمقی بکند ندارند و در حاشیه شهر مدینه به حیات فلاکت‌بار خود ادامه می‌دهند. در این صورت دست‌زدن به چنین اقدامی توصیه به اطرافیان به امت اسلامی و جانشینان آینده خلافت و حکومت امت اسلامی است که بدانند بار مسئولیت سنگین است، همه چیز حساب و کتاب دارد، غفلت سلب مسئولیت را نمی‌کند، توصیه به ما است، به ما امت اسلامی از رأس هرم جامعه تا قاعده آن که اگر هرکس وظیفه خود را انجام ندهد و به مسئولیت خود عمل نکند و

(۲) (امیرالمؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه) در بخش آخر شب مشغول گشت، بود صدای گریه بچه‌ای را شنید، این گریه او را ناراحت و غمگین نمود. به در خانه‌ای که بچه در آن می‌گریست رفت و به مادر بچه گفت: بنده خدا بچه‌ات را آرام کن. بعد از گذشت یک ساعت برگشت و متوجه شد که بچه آرام نگرفته و کماکان گریه می‌کند، مجدداً مادر بچه را یادآور نمود که بچه را آرام کند. مدتی گذشت و باز آمد دید بچه باز گریه می‌کند. به مادر بچه گفت: تو چه مادری هستی که نمی‌توانی بچه‌ات را آرام کنی؟ مادر بچه گفت: برادر مسلمان! تو چرا مرا اذیت می‌کنی؟ عمر بن خطاب، تا بچه از شیر بریده نشود، جیره‌ای از بیت المال برای او در نظر نمی‌گیرد، و من بچه را در غیر وقت از شیر گرفتم تا از بیت المال برای او سهمی منظور شود. البته مادر بچه نمی‌دانست با خلیفه‌ی مسلمین صحبت می‌کند. عبدالرحمان بن عوف می‌گوید: صبح آن شب که عمر رضی الله عنه نماز صبح را به امامت اقامه می‌کرد، قراءت قرآن او را در نماز به علت گریه کردنش فهم نمی‌کردم. وقتی از نماز فارغ شد دست و پای خود را گم کرده بود: به خودش گفت: خداوند به دادت برسد، عمر چقدر از بچه مسلمانان تاکنون تلف شده باشند. خورشید برآمد، اعلامیه صادر کرد، هر بچه‌ای که متولد می‌شود سهم او از بیت المال منظور و تعیین می‌گردد).

(۳) (در روزی امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه در یکی از کوچه‌های شهر مدینه مشغول بازدید بود، مردی را دید که برای سؤال کردن (گدائی) دری را می‌زد، عمر رضی الله عنه که این را دید و عمل آن مرد سائل به شدت او را تحت تأثیر قرار داده بود، از او پرسید: ای بنده خدا! چرا از غیر خدا دست سؤال و توقع را دراز می‌کنی؟ مرد گفت: ای امیرمؤمنان! من مردی یهودی هستم، موی

---

دین خود را ادا ننماید، جامعه ایده‌آل اسلامی جامعه‌ای که خداوند متعال آخرین پیامبر بزرگوار خود حضرت محمد مأمور تشکیل آن و خط مشی نظام اجتماعی آن را به او وحی و نازل نمودند، خودنمایی نخواهد کرد، و فرمان خداوند اجرا نخواهد شد. در این صورت آنچه که مسلم است مسئولیت تنها به عهده‌ی کسی که در رأس هرم است نیست، بلکه از رأس هرم تا قاعده‌ی آن هرکسی در حد مسئولیت خود مورد بازخواست قرار خواهد گرفت» (م).

سیاه و عمری دراز دارم و در زندگی هیچی در بساط ندارم. عمر رضی الله عنه چون آن مرد کور هم بود دست او را در دست گرفت و به منزل برد و به همسر گرامیش ام کلثوم دختر امیرالمؤمنین حضرت علی رضی الله عنه گفت: آنچه که در دسترس داری آماده کن. من مهمانی دارم، غذا آماده شد، عمر رضی الله عنه با مهمانش غذا را تناول نمود. سپس دست او را گرفت و به بیت المال برد و به مأمور بیت المال گفت: بدانید، این مرد و امثال این مرد در بیت المال مسلمین سهمی دارند، برای ما درست نیست وقتی سرشان سفید و پشتشان خم شد آن‌ها را فراموش کنیم).

### خلافت حضرت عثمان رضی الله عنه

وقتی که حضرت عمر مجروح شد، شش نفر<sup>(۱)</sup> را برای احراز مقام رهبری پیشنهاد فرمود، تا در بین آن‌ها یکی را انتخاب کنند، پس از به شهادت رسیدن حضرت عمر در سال ۲۳ هجری مسلمانان بعد از مشورت به حضرت عثمان بیعت نمودند و به او رأی دادند. حضرت عثمان از طرف مادر عمه‌زاده آنحضرت و از طرف پدر عموزاده او بود، و حضرت محمد صلی الله علیه و آله دو دختر خود (رقیه و ام کلثوم) را پشت سر هم به او داده بود، از این رو داماد پیغمبر نیز بود.

### اسم و نسب حضرت عثمان رضی الله عنه

اسم مبارکش عثمان، لقبش ذی النورین، نام پدرش عفان در جد سوم نسبش به حضرت محمد می‌رسد، نام مادرش اروی در ۵۷۶ میلادی متولد شد و مدت ۱۲ سال خلافت نمود، و در سن ۸۲ سالگی در ۱۸ ذیحجه سال ۳۵ هجری به دست عده ماجراجو شهید شد، و در بقیع مدفون است.

(۱) - شش نفر عبارت بودند از: حضرات عثمان، علی، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن عوف

### صفات و خدمات حضرت عثمان رضی الله عنه

حضرت عثمان شخصی خوش نیت و صاحب حیا عارف بود، و بسیار قرآن می خواند، و از بهترین و محبوب ترین اموالش را در راه اعتلاء و اهتزاز پرچم اسلام انفاق و خرج می کرد، حضرت عثمان با ایمان و فداکاری علاوه بر حفظ وضع موجود، یک نیروی دریای را با وسعت پانصد کشتی جنگی ایجاد و همه ی متصرفات روم در آسیا و طرابلس و ارمنستان و بقیه ایران را فتح نمود، و در راه وحدت فرهنگی و عقیدتی همه قرآن ها را جمع و از روی نسخه مادر (ام الکتاب) = المصحف الإمام هفت نسخه قرآن را نوشته و هریکی را به ایالتی فرستاد.

حضرت عثمان برای تجهیز و آماده کردن لشکر که عازم جنگ تبوک (جیش العسرة) بود هزار دینار طلا (تقریباً پنج کیلو طلا) و پنجاه اسب و ۹۵۰ شتر به حضور پیامبر عظیم الشان اسلام تقدیم کرد.

وقتی پیامبر به مدینه تشریف آورد، آب آشامیدنی کم بود، فرمود: «هرکسی چاه (رومه) را بخرد و ترمیم کند اهل بهشت خواهد بود، چاه رومه مال یکی از بنی غفار بود، حضرت عثمان آن را خرید و تعمیر کرد، و وقف مسلمانان نمود<sup>(۱)</sup>.

عارف بزرگ شیخ فریدالدین عطار در باره حضرت عثمان چنین می فرماید:

خواجه سنت که نور مطلق است	بل خداوند دو نور برحق است
آن که غرق بحر عرفان آمده است	صدر دین عثمان عفان آمده است
رفعتی کین رایت ایمان گرفت	از امیرالمؤمنین عثمان گرفت
رونقی کین عرصه ی کونین یافت	از دل پر نور ذوالنورین یافت
یوسف ثانی بقول مصطفی	بحر تقوا و حیا کان وفا
سیدالسادات گفتی بر فلک	شرم دارد دائم از عثمان ملک <sup>(۱)</sup>

(۱) - تاج الجامع للأصول جلد ۲.

(روزی که کاروان ده شتری عثمان بن عفان رضی الله عنه با کالاهی خرما، زیتون و کشمش برگشت، جمله تجار مدینه نزد او آمدند و گفتند: ما کالای شما را به دو برابر خریداریم. عثمان رضی الله عنه گفت: گرانتر از آن فروخته‌ام. گفتند: پنج برابر خریداریم. گفت: دیگران ده برابر خریدارند. گفت: این خریداران چه کسانی هستند؟ جز ما در شهر تاجری نیست؟ عثمان رضی الله عنه فرمود: به خدا و به رسول خدا فروخته‌ام<sup>(۱)</sup>).

### خلافت حضرت علی رضی الله عنه

پس از به شهادت رسیدن حضرت عثمان در سال ۳۵ هجری مسلمانان به حضرت علی بن ابی طالب بیعت نمودند، و او را به خلیفه و رهبر جهان اسلام انتخاب کردند.

#### اسم و نسب حضرت علی رضی الله عنه

نام مبارکش علی، لقبش اسدالله (شیر خدا) اسم پدرش ابوطالب، نام مادرش فاطمه، مدت چهار سال و نه ماه خلافت و رهبری جهان اسلام را به عهده داشت، و در سن ۶۳ سالگی به دست عبدالرحمن بن ملجم در ۱۹ رمضان زخمی و در ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری شهید و در نجف اشرف مدفون است.

#### صفات و خدمات حضرت علی رضی الله عنه

«حضرت علی از جانب مادر و پدر عموزاده آنحضرت بود، و مانند حضرت عثمان دختر پیغمبر را تزویج کرد، و نخستین نوجوانی بود که ایمان آورد، و تربیت شده‌ی آنحضرت بود. از این رو از روح اسلام و مقصود به پیغمبر بایستی کاملاً آگاه باشد، گذشته بر این بالطبع معلم اخلاق و مایل بزهد و انزوا بود.

(۱) - منطق الطیر.

(۲) - قصه‌های شیرین.

ولی به موقع لزوم در امور دنیا و سیاست نیز کاملاً شریک می‌باشد، صفات عجیب و غریب داشت، از کودکی در خدمت آنحضرت بود، و تا وفات صمیمانه خدمت نمود، و در دفع دشمنان اسلام جنگ‌های مردانه کرد، کرااری بود غیر فرار و در بجا آوردن آنحضرت، چنانکه در قرآن می‌فرماید: ﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ﴾<sup>(۱)</sup> بود. حضرت علی زمان به خلافت رسید کشورهای زیادی در زمان پیامبر ﷺ و ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم فتح و مسلمان شده بودند، همچنانکه دوستانی زیادی برای اسلام به وجود آمده بود، بالطبع دشمنانی نیز به وجود آمده بودند.

از طرفی کشورهای فتح شده نیاز به اصلاحات اساسی و انقلاب درونی داشتند، و از طرفی دیگر مقابله با دشمنان و توطئه‌های آنان.

متأسفانه دشمنان اسلام که در آن زمان، جهان مسیحیت و یهود و مجوسی بودند، توانستند در بین مسلمانان تفرقه به وجود بیاورند، و جنگ داخلی گریبان گیر حضرت علی شد و درگیری‌های سختی میان مسلمانان رخ داد، و در نتیجه حضرت علی به شهادت رسید.

### نمونه از حق جوی حضرت علی رضی الله عنه

(وقتی که حضرت علی رضی الله عنه تصدی خلافت مسلمانان را عهده‌دار گردید، برادرش عقیل نزد او آمد و گفت: یا علی! تو هم اکنون مقام خلافت و رهبری جامعه مسلمین را به عهده داری، می‌خواهم که از بیت المال مقداری به من دهی. بنا به قولی: (مقداری بر سهم من بیفزایی. حضرت علی رضی الله عنه فرمودند: وقتی که غروب شد و هوا تاریک گردید نزد من برگرد. حضرت علی در سر موعد کیسه‌ای چرمی را آماده کرد و تکه‌ای آهن را داغ کرد و در لای کیسه گذاشت. در موعد مقرر که عقیل وارد شد، کیسه را به او داد. عقیل که کیسه را گرفت دستش سوخت و کیسه را به زمین انداخت. حضرت علی رضی الله عنه که حال او را چنین دید، گفت: آخر مادر به سوخت بنشیند، وقتی از آتش دنیا این حال را داری، فردا در روز قیامت حال تو

(۱) - خاتم النبیین - شوشتری.

و حال من چگونه باشد که من هم با تو باید به جهنم بیایم. ای عقیل کسی یک درهم یا یک دینار به مسلمانان خیانت کند در قیامت پلی را بر روی جهنم برای او نصب می کنند بر روی آن قرار می گیرد و پل در زیر پایش فرو می ریزد، و او در آتش جهنم هفتاد پاییز (سال) می سوزد<sup>(۱)</sup>.

(حضرت علی علیه السلام فرموده اند: پنج چیز را به شما توصیه می کنم:

- ۱- هیچ یک از شما به جز به پروردگارش امیدوار نباشد.
- ۲- و به جز او را کسی ترس نداشته باشد.
- ۳- اگر چیزی که نمی داند از او پرسند، شرم نکند که بگوید نمی دانم.
- ۴- شرم نکند که یاد بگیرد.
- ۵- بدانید، صبر و بردباری که از ایمان است، به منزله سر از بدن است، وقتی که سر بریده شود، بدن رفتنی است، و همچنین اگر صبر نماند، ایمان رفتنی است<sup>(۲)</sup>.

### حسن ادب چهار خلفاء با یکدیگر

آنچه مسلم است تمام اصحاب پیامبر به ویژه خلفاء راشدین طبق آیهی ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ مانند برادر با یکدیگر رفتار می کردند، و هر کدام آنچه برای خودش می خواست برای برادر مسلمانش می خواست، چون صحابه کرام این حدیث شریف پیامبر صلی الله علیه و آله را نصب العین خود قرار داده بودند: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»<sup>(۳)</sup>.

حضرت علی به حضرت ابوبکر و عمر و عثمان بیعت نموده و پشت سر آنها و مانند آنها نماز خوانده و اقتداء به آنها نموده و آنها را به عنوان اولی الامر پذیرفته، آنها نیز او

(۱)- قصه های شیرین.

(۲)- قصه های شیرین.

(۳)- بخاری و مسلم.

را به عنوان مشاور در کلیه‌ی امور مورد توجه قرار داده‌اند.

و حضرت علی دخترش (ام کلثوم) را به حضرت عمر داده است.

پس حضرت علی پدر زن و حضرت فاطمه مادر زن حضرت عمر بوده‌اند، و نتیجه‌ی این ازدواج پسری بنام زید و دختری بنام رقیه بود<sup>(۱)</sup>.

بنابراین، چیزهای که نسبت به حضرت عمر (با این همه ایمان و عدالت) گفته شده، بنا به عقائد مسلمانان اهل سنت بی‌اساس و جز تفرقه در بین مسلمانان و جریحه‌دار کردن قلب آنان ثمره دیگری در پی نخواهد داشت.

صحابه پیامبر به ویژه خلفاء راشدین هم و غم‌شان دین مبین اسلام بوده، ما هم باید با پیروی از این بزرگواران برای اعلا و برافراشتن پرچم «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» در کنار هم و مانند برادر باهم رفتار کنیم، و نگذاریم ایادی شرک و کفر به سرکردگی آمریکای جنایتکار در صف ما رخنه کنند و تفرقه ایجاد کنند، و کاری نکنیم و چیزی نگوئیم که نسبت به یکدیگر کینه و ناراحتی به وجود بیاید.

(امام علی ابن ابی طالب علیه السلام فرمودند: در زمان خلافت حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه در خواب دیدم که پشت سر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نماز صبح را خواندم. وقتی که از اقامه نماز فارغ شدیم، از مسجد خارج شدم. زنی را دیدم در جنب در مسجد ایستاده است و یک طبق خرما را در دست دارد، گفت: یا علی! این خرما را بگیر و به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ببر. خرما را گرفتم و نزد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بردم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست مبارک را در طبق خرما گذاشت و یک عدد خرما را در دهان من نهاد. خرما به حدی با لذت و خوشمزه بود، گفتم: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم! خرمای دیگری را به من عطا فرما، قبل از آن که خرما را عطا کند، از خواب بیدار شدم.

(۱) - نور الأبصار - الأساس فی السنة.



برای ادای نماز صبح به مسجد رفتم، نماز به امامت عمر بن خطاب خلیفه مسلمین اقامه شد. پس از پایان نماز از مسجد خارج شدم، زنی را دیدم که بر در مسجد ایستاده بود و یک طبق خرما را در دست داشت، گفت: یا علی! این خرما را نزد خلیفه ببر که بین اهل مسجد تقسیم شود. خرما را گرفتم و نزد حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه بردم. عمر از طبق یک عدد خرما را برداشت و در دهن من گذاشت. خرما با لذت و خوشمزه بود. گفتم: یا عمر! خرمایی دیگر را لطف کن. گفت: اگر پیامبر دو خرما را در دهان تو گذاشته است، تا من هم دو خرما را به تو دهم. حضرت علی در حال تعجب گفت: یا امیرالمؤمنین! آیا این را در خواب دیدی؟ یا از غیب مشاهداتی داشتی؟ گفت: یا علی! نه خواب بود و نه مشاهدات غیبی، اما انسان وقتی که قلبش خالصاً لله باشد، بجایی رسد که نور خدا را ببیند<sup>(۱)</sup>.

(۱) - قصه‌های شیرین، ترجمه‌ی انیس المؤمنین.



## مراجع کتاب

- \* قرآن کریم.
- \* احادیث پیامبر اسلام.
- \* منطق الطیر، عطار نیشابوری.
- \* بوستان سعدی.
- \* مثنوی.
- \* خاتم النبیین، پرفسور عباس شوشتری.
- \* نوشته‌ی: از ماموستا ملا عبدالله احمدیان.
- \* قصیده نورالصباح ماموستا ملا عبدالکریم مدرس.
- \* قصیده‌ی حاج شیخ محمد دادانه.
- \* قصه‌های شیرین، ترجمه محمد سعید مجیدی.
- \* مقدمه: شاهنامه فردوسی.